

دیوانه حافظ

طاهره ابراهیم‌نژاد و حافظ شیرازی

«ولامباش چنین حمزه کرد و حرجانی»

دو گانه سوزگر که دره باشی آن اثلت



محدثه مطهری

تورم در ترکیه از ایران سبقت گرفت

هرچی چراغ زیم و بوق زیم که جلوتر پلیس وایساده، با سرعت ترو، نندید!

برخورد ریشه‌ای با مافیای هنر

مراقب ریشه‌های خود هنر باشید. دفعه قبل داشتید می‌زدید اون رو می‌خشکوندید!

آیا بحران بعدی در راه است؟

حالا به دقیقه هم بدون بحران زندگی کنید، شاید خوشتون اومد.

مناطق آزاد، منافذ تنفسی در شرایط تحریم اقتصادی

ولی منافذ زیادی باز باشن هم خوب نیستا، میکروپ وارد می‌شه، سرطان تنفس در شرایط تحریم اقتصادی می‌گیریم.

می‌توان با مدیریت مناسب از بحران آبی عبور کرد

ولی چون مدیریت مناسب نداشتیم، تا الان فقط از بحران قهوه‌ای عبور کردیم، یعنی می‌گم اینقدر آب کم بوده که فقط خاک زمین گل می‌شده.

آزادی برم؟

بسد خندان برم؟

تجربیش برم؟

کدومو برم؟



محمدرضا رفیعی

رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران اعلام کرده که قرار است روی سقف و داخل تاکسی‌ها تبلیغات بشود و این یعنی هنگام سوار شدن در تاکسی باید خودمان را برای شرایط جدیدی آماده کنیم. البته ما

منکر مزایای این طرح برای تاکسیرانان محترم نیستیم؛ ولی با توجه به اوضاع خاص تبلیغات در جامعه ما، احتمالاً باید شاهد اتفاقات عجیبی هم باشیم.

تصور کنید عجله دارید و تاکسی می‌گیرید و طبیعتاً انتظار هم دارید که به‌محض سوار شدن در تاکسی حرکت کنید و مثلاً تا یک ربع بعد هم در مقصد باشید. اما می‌بینید که تاکسی حرکت نمی‌کند و به‌جایش یک صدایی در تاکسی پخش می‌شود و می‌گوید که اگر عجله دارید و دیر به مقصدتان می‌رسید می‌توانید فلان موتور با فلان اسم را خریداری کنید و ایکی تانیه به هر نقطه از زمین که دل‌تان خواست برسید. بله، بالاخره تاکسی چی کمتر از تلویزیون دارد؟ چطور تلویزیون قبل از شروع یک سریال پربیننده ۲۰ دقیقه تبلیغات پخش کند، ولی تاکسی قبل از حرکت پخش نکند؟

با مثلاً فرض کنید ۵۰۰ متر مانده که به مقصدتان برسید، بهو راننده بزند روی ترمز و تبلیغات بهمان کفش برایتان پخش شود که مثلاً اگر آن را بپوشید می‌توانید کیلومترها بدون خشکی و مثل یک اسب نجیب یورتمه... بیخشید پیاده بروید و آب هم توی دل پای‌تان تکان نخورد. طبیعتاً این هم مثل تبلیغات میان‌برنامه است دیگر، چطور تلویزیون دقیقاً در جای حساس سریال تبلیغات پخش کند و ملت را یک‌ریز منتظر نگه دارد، آن وقت تاکسی همین‌طور خشک و خالی و بدون توقف تبلیغاتی شما را دم در خانه‌تان پیاده کند؟

البته این طرح یک خوبی‌هایی هم دارد؛ مثلاً وقتی در یک ظهر گرم تابستانی وسط ترافیک توی تاکسی نشست‌اید و خیلی هم تشنه‌اید، بهو تبلیغات یک نوشابه یا آیمیه خنک همراه با تصاویری که در دست راننده است، پخش می‌شود و شما با دیدن تصاویر نوشابه خنک، کیفور می‌شوید و چند ثانیه‌ای درد تشنگی را فراموش می‌کنید. یا مثلاً به‌جای دریافت بقیه پول که به هیچ کارتان نمی‌آید و فقط جیب‌تان را سنگین می‌کند، می‌توانید بن تخفیف حشره‌کش قوی دریافت کنید و حالش را ببرید.

البته بدی‌هایی هم دارد؛ مثلاً به‌جای اینکه از تحلیل اتفاقات روز جهان توسط راننده بهره‌مند شوید، باید کل مسیر را به یک مدرس گنگور گوش دهید که روی صندلی شاگرد نشسته است و برایتان فرمول ۶ ثانیه‌ای سخت‌ترین معادلات ریاضی جهان را با آب و تاب ارائه می‌دهد و تأکید هم می‌کند که این فرمول ابداع خودش است و هیچ‌جا دیگر پیدا نمی‌شود. به نظرم با وجود همه مزایایی که ذکر شد، همین مورد آخری کافی است برای اینکه یک هدفون و یک چشم‌بند خواب خریداری کنید و در تاکسی به مدیتیشن بپردازید!

توصیه‌هایی برای شمایی که یک‌هوا وارد فضای علم و دانش شده‌اید!

باز آمد بوی ماه مدرسه حضوری



مرضیه ربیعی

اگر یادتان باشد در میانه همه‌گیری کرونا، کلیپی با عنوان «وضعیت مدارس بعد از کرونا» در فضای مجازی پخش شد که در آن تعدادی از پدربزرگ‌های عزیز در حیاط مدرسه با حرکات سوباسایی

وواکشی‌زومایی مشغول بازی فوتبال بودند. هر چند که آن بازی حین شوت برگردان و با نتیجه صفر هیچ به قسمت بعد موکل شد، اما در باطن امر نشان داد که از همان موقع هم کسی فکر نمی‌کرد به این زودی‌ها خبری از حضوری شدن مدارس شود و یا اگر حضوری هم بشود احتمالاً درس خواندن و مشق نوشتن به سختی قبل از کرونا نخواهد بود! ولی بالاخره بعد از دو سال، مدارس حضوری شد و مسئولان امر با زور حکم و بخشنامه، دانش‌آموزان را از پای‌گوشی و لب‌تاپ و از زیر لحاف بیرون کشیده و به سمت کلاس درس خرکش کردند. آن‌هم درست بعد از تعطیلات عید و همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان. البته بر همگان واضح و مبرهن است که برای آموزش علم، هیچ روشی به اندازه تماس رودرروی معلم و شاگرد مؤثر نیست، ولی در مورد این تصمیم یک‌هویی، مواردی مغفول مانده که در ادامه برخی از آنها را توصیه می‌کنیم.

۱- معلمان عزیز! توقع زیادی از شاگردان خود نداشته باشید. اگر شما بعد از حدود بیست روز تعطیلی وارد کلاس حضوری شدید، دانش‌آموزان شما دو سال تعطیلی را پشت‌سر گذاشته و وارد فضای حضوری علم و دانش شده‌اند و احتمالاً حالا حالا کمیبتشان قرار است بلندگد!

۲- والدین عزیز! توقع زیادی از فرزندان خود نداشته باشید. در حال حاضر آمادگی شما برای شرکت در امتحانات بیشتر از فرزندان‌تان است. نگرانی و دشواری هم نداشته باشید! بچه‌های مردم هم در همین وضع هستند.

۳- دانش‌آموزان عزیز! کلاً توقعی نداشته باشید! اگر فکر می‌کنید قرار است سر کلاس حضوری نیز به بهانه قطع و وصل شدن صدای معلم از امتحان شفاف‌ی پای‌تخته در برودید و یا اینترنت ضعیف را دلیل آبلود نشدن فایل مشق‌هایتان عنوان کنید، بدانید و آگاه باشید که نخیر! دیگر آن روزها تمام شد.

۴- دانشجویان عزیز! شما هم همین‌طور! اصلاً اگر شما زرنگ بودید که الان دیگر دانشجوی نبودید و در این دو سال، بیست تا بیست تا واحد برداشته و فارغ‌التحصیل شده بودید. امتحانات مجازی و گروه بدون استاد هم پیر! روزهای «خفه! داریم درس می‌خونیم» خوابگاه از آنچه فکر کنید به شما نزدیک‌تر است.

۵- کادر درمان عزیز! توقع بیجا از شرایط کرونا نداشته باشید! نیاز به گفتن نیست ولی لزوم رعایت فاصله اجتماعی و ماسک اجباری که برای خودتان وضع شده! وگرنه دانش‌آموزانی که بعد از مدت‌ها یکدیگر می‌بینند حتماً گرم ماسک کشیدن از صورت بقیه را هم با خود آورده‌اند! حفظ فاصله هم که برای آنها شوخی‌ای بیش نیست! ماه رمضان و پایان آمدن سیستم ایمنی که جای خود!

۶- رانندگان عزیز؛ برعکس دیگر دست‌اندرکاران امر حضوری شدن مدارس، که نباید توقع زیادی از شرایط داشته باشند؛ شما توقع داشته باشید. ترافیک‌های سنگینی که شاید در این دو سال فراموش کرده بودید را دوباره از نزدیک خواهید دید. از آنجا که برای استفاده از حمل‌ونقل عمومی باید بعد از افطار شب قبل شروع به حرکت می‌کردید، لذا فوراً بعد از سحر راه افتاده و کمبود خواب خود را در ترافیک جبران کنید!



کامران باری
کارتنویست



۱۰ فرمون برای موتورسوار

نمونه شدن

محمدرضا رفیعی

۱. بر همگان واضح و مبرهن است که اولین گام خرید موتور است. حالا هر مدلی شد، حتی از این موتورگازی‌ها که آبی رنگ است و باید بدوی تا روشن شود.
۲. بعد از خرید موتور، آن را به بوق مجهز کنید. بوق نه‌ها، بووووق! بوقی که صدای کامیون بدهد. تا وقتی پشت سر یکی آن را به صدا در آورید، حداقل ۱۰ متر ببرد. حالا ۹.۷۵ را هم ۱۰ حساب می‌کنیم.
۳. از قدیم گفته‌اند وقت طلاست. پس زیانم لال، خود را علاف گرفتن گواهینامه تکنید. گواهینامه را کی داده، کی گرفته؟
۴. حالا اگر احیاناً گواهینامه را برای کرایه‌پلی‌استیشن خواستید، جهنم ضرر، بگیری. ولی خام‌آیین‌نامه‌نوشید. این سوسول بازی‌ها برای چهارچرخ‌ها است. همیشه حق با موتور است. کسی که حواسش به موتور نیست، خب فاته مع صلوات.
۵. پول حرام کلاه نکنید. مگر مغزتان دچار جودگی شده که یک کلاه سنگین بر سرتان بگذارید؟ تابستان‌ها یک لنگ خیس را روی سرتان قرار دهید. موقع باران هم، نایلون، راهگشاست.
۶. اسراف خیلی بد است. پس همیشه روی یک چرخ حرکت کنید. دیگر انتخاب چرخ جلو یا عقب به سلیقه خود شما!
۷. صفا به دسته‌جمعی بودن است. هر جا می‌روید، رفقا را خبر کنید. همه در کنار هم روی موتور بنشینید و بروید. اگر کسی هم خواست بیاید، اشکالی ندارد.
۸. با توجه به اینکه با چرخ به منزل نمی‌رسد، پس تمامی بارها را اعم از یخچال، تلویزیون اینچ بالا، وانت نیشان و... را خیلی صاف و سیخکی ببندید و طی طریق کنید.
۹. مسیر صاف نروید زیرا امکان دارد خواب بر شما مستولی شود. کج و معوج بروید تا باد میان موهای‌تان بپیچد.
۱۰. دست آخر و به‌عنوان توصیه نهایی، اگر ناغافل، ركب خوردید و فهمیدید یک آقا پلیس بیدار در کمین است، مانند دوران مدرسه هنگام ورود ناظم به کلاس، سریع دست به سینه شوید و سر را هم پایین بیندازید تا بفهمد چه موتورسوار منظمی هستید.

آب یعنی روشنایی

صامره حبیبی

هم بجای کار، راحت آب مصرف می‌کنم
هم بجای استراحت آب مصرف می‌کنم

از صدای شرشرش هرگز نمی‌ترسد کسی
من هم از روی شجاعت آب مصرف می‌کنم

از گرانی شاکم ام دستم بجایی بند نیست
نه که چون دارم شکایت! آب مصرف می‌کنم

آب شهری جان ندارد جان به جانم می‌کند
با شلنگ لامروت آب مصرف می‌کنم

آب را با آب می‌شویم نمائد لکه ای
از تمیزی دم به ساعت آب مصرف می‌کنم

واژه سوسواس «واس ماس» دوست‌داری مال تو
خواستی من هم بجای آب مصرف می‌کنم

آب یعنی روشنایی چشم‌هایت را بشور
من بجای برق، ملت آب مصرف می‌کنم

آب وقتی قطع باشد لحظه مرگ من است
تا خود صبح قیامت آب مصرف می‌کنم

تهرانی‌ها معادل مصرف یک و نیم میلیون نفر آب هنر
می‌دهند- جراید

دستیابی و ترس مقامات رژیم اشغالگر قدس در واکنش به پرتاب ماهواره «نور ۲»

سیدمحمدجواد طاهری

کی پرده روزه کنار؟! «نور» داره می‌اد تو!